

روش‌های تدریس ارائه شده از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی برای تدریس بهتر و موفق‌تر شما ارائه می‌شود. تجارب ایشان برای اجرا در کلاس توصیه می‌شود.



## مهارت‌ها و شیوه‌های معلم

### در بیان حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

#### اشاره

این حدیث می‌آموزد که اگر یاد شهید همراه با گریه بلند و طولانی باشد، در شنونده اثر می‌گذارد. در کتاب عیون‌الخبار (ج ۲، ص ۱۰۵) می‌خوانیم: دلیل آنکه عبارات ابتدایی اذان، چهار بار، ولی عبارات دیگر دو بار تکرار می‌شود این است که در آغاز اذان، مردم بی‌خبرند و نیاز به یک نوع شوک و هیجان دارند؛ لذا هم با صدای بلند و هم با صدای خوب چهار بار باید «الله اکبر» گفت. ولی بعد از آن مردم در جریان ورود وقت شرعی قرار می‌گیرند؛ لذا دو بار کافی است.

#### داستان‌گویی

داستان‌های قرآن با سایر داستان‌ها تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله:  
- قصه‌گو خداوند است: (نحن نقص)؟  
- هدف‌دار است: (نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک)؟

شیوه‌ها و مهارت‌های معلم می‌تواند در بازدهی آموزش تأثیر بسیار داشته باشد. بخش مهمی از موفقیت استاد و شیرینی کلاس به شیوه ارائه درس و مهارت‌های معلم مربوط است. بخش‌های قبلی این شیوه‌ها در شماره‌های قبل تقدیم شد و در اینجا نیز تعدادی از این روش‌ها از نظر تان می‌گذرد.

#### هیجان بجا

سخن و کلام عادی در مواردی، مؤثر و کارساز نیست و مخاطب نیاز به یک هیجان دارد که باید استاد آن را تأمین کند. حضرت علی (ع) هنگامی که می‌خواستند از شهیدان سخن بگویند، دستشان را به صورت مبارک می‌زدند و بسیار می‌گریستند.<sup>۱</sup> این کار را حضرت در مقابل مخاطبانی انجام می‌داد که نیاز به هیجان داشتند تا وجدانشان بیدار شود.

- حق است، نه خیال: (نحن نقص عليك نبأهم بالحق)؛<sup>۴</sup>  
 - براساس علم است، نه گمان: (فلنقصن عليهم بعلم)؛<sup>۵</sup>  
 - وسیله تفکر است، نه تخیل: (فانقص القصص لعلهم يتفكرون)؛<sup>۶</sup>  
 - وسیله عبرت است، نه تفریح و سرگرمی: (لقد كان في قصصهم عبرة)؛<sup>۷</sup>  
 همچنین حکایت‌ها و داستان‌های روایی که در کتب معتبر آمده، از بهترین منابع برای نقل می‌باشند.

معلم‌ان نباید از گفتن داستان خجالت بکشند؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید که ما خود قصه می‌گوییم: (نحن نقص)؛<sup>۸</sup> همچنین نباید این تصور و خیال را داشته باشند که تأثیر مطالب علمی و سنگین، بهتر و بیشتر از داستان‌هاست؛ بلکه راه صحیح، بیان داستان‌های مناسب در کنار مطالب و نکات علمی و استدلالی دیگر است. ضمن آنکه برای موفقیت باید در مطالعه و تلخیص و چینش داستان دقت نمود تا بتوان پس از اندکی ممارست، به‌صورت زیبایی از هنر قصه‌گویی برخوردار شد.

### خواندن از روی نوشته

ذیل عنوان «طرح درس» توضیح دادیم که استاد باید مطالب خود را در قالب طرحی مکتوب، تنظیم و براساس آن ارائه نماید؛ در اینجا به این نکته مهم اشاره می‌نماییم که طرح درس، نمای کلی بحث و در حقیقت عناوین مهم و عصاره درس است و معلم و استاد باید در کنار آن، فیش‌ها و یادداشت‌هایی داشته باشد که به‌عنوان ضامین استفاده کند؛ زیرا معلم وقتی برخی از سرفصل‌ها را روی تابلو و تخته می‌نویسد، برای توضیح نیاز به خواندن از روی نوشته دارد. به همین جهت، باید ضامین طرح درس را - که همان فیش‌ها و یادداشت‌های مفصل‌تر است - داشته باشد و هیچ‌گاه خواندن از روی نوشته را برای خود سبک نداند.

بسیار بجاست که استاد در برخی مواقع مانند موقع نقل آیه یا حدیث یا متن تاریخی یا کلام مهمی از بزرگان و ... حرف خود را مستند کند و از روی نوشته معتبر بخواند تا کلام

خود را تقویت و اعتماد شنونده را جلب کند و از هرگونه احتمال خطا در نقل به دور باشد. همچنین خواندن از روی نوشته، هم آرامش برای گوینده است و هم آرامشی برای شنونده. برخی از علماء سعی می‌کردند که مطالب را از روی نوشته بخوانند و چه بسا این کار پیامی برای شاگردانشان داشت تا آنان نیز از این شیوه خوب تبعیت نمایند.

### آموزش غیر مستقیم

لازم نیست که استاد همیشه حرف‌های خود را به‌طور مستقیم بگوید؛ بلکه از شیوه‌های مفید آن است که انسان گاهی غیرمستقیم مطالب خود را ارائه دهد. مثلاً در معرفی خود خدا هم می‌توان از عظمت آفریده‌های او سخن گفت و هم از ضعف دیگران در خلق کوچک‌ترین مخلوقات. قرآن کریم گاهی از خالقیت خدا صحبت کرده است و گاهی از بی‌عرضگی دیگران؛ با این بیان که اگر همه جمع شوند، نمی‌توانند مگسی بیافرینند و اگر مگس چیزی از آنان برآید، نمی‌توانند پس بگیرند.<sup>۹</sup> در بحث انفاق گاهی می‌فرماید: «انفاق پادشاه‌های زیادی دارد و خداوند کمبودهایی را که بر اثر انفاق پیدا می‌شود، جبران می‌کند»<sup>۱۰</sup> و گاه می‌فرماید: باغ جمعی که بخل ورزیدند و مال خود را انفاق نکردند، سوخت»<sup>۱۱</sup>.

گاهی از عزت خدا سخن می‌گوید<sup>۱۲</sup> و گاه بیان می‌کند که شرک و پرستش غیر خدا انسان را خوار و ذلیل می‌کند.<sup>۱۳</sup> امام علی(ع) بیان می‌کنند که خلافکار را غیرمستقیم تنبیه کنید و می‌فرمایند: «زجر المسیء بثواب المحسن؛ با خوبی کردن به نیکوکار، انسان بد را زجر بده.»<sup>۱۴</sup> خداوند برای رد عقائد تحریف‌شده مسیحیت، حضرت مسیح را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید که: (أنت قلت للناس اتخذوني و أمي الهين من دون الله)؛<sup>۱۵</sup> «آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را در کنار خدا قرار دهند؟! آیا این عقیده باطل از جانب تو به مسیحیان القاء شده؟!» در حقیقت با خطاب به کسی که بی‌گناه است، به افراد خاطی هشدار می‌دهد. در زبان فارسی، به این نوع کلام در قالب ضرب‌المثل می‌گویند: به در بگو که دیوار بشنود!

### پی‌نوشت‌ها

۱. «ثم ضرب بيده على لحيته الشريفة الكريمة فأطال السكاء.» (همان)
۲. یوسف: ۳.
۳. هود: ۱۲۰.
۴. کهف: ۱.
۵. اعراف: ۷.
۶. اعراف: ۱۷۶.
۷. یوسف: ۱۱۱.
۸. یوسف: ۷.

۹. (يا أيها الناس ضرب مثل فاستمعوا له إن الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذبابا و لو اجتمعوا له و إن يسلبهم الذباب شيئا لا يستنقذوه منه ضعف الطالب و المطلوب) (حج: ۷۲)؛ «ای مردم! مثلی زده شده است، پس به آن گوش فرا دهید، همانا کسانی که به جای خدای یکتا می‌خوانید هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هرچند برای این کار اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برآید، نمی‌توانند از او بازستانند. طالب و مطلوب هر دو ناتوان‌اند.»

۱۰. (قل إن ربی بیسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له و ما أنفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین) (سبا: ۳۹)؛ «بگو: بدون شک، پروردگارم برای هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را کسایش می‌دهد یا برای او تنگ [و محدود] می‌گرداند و هرچه را [در راه او] انفاق کردید پس او [عوضش را] جایگزین می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است.» شخصی از امام صادق(ع) پرسید: «اگر خداوند جای آنچه را انفاق شده پر می‌کند، پس چرا من هر چه انفاق می‌کنم جایگزینش نمی‌رسد؟! حضرت فرمود: «اگر مال حلال باشد و برای مصرف حلال انفاق شود حتماً جبران می‌شود.» (کافی، ج ۲، ص ۴۸۶)

علاوه بر این ممکن است جبران آن در آخرت باشد یا از طریق دفع بلا یا رسیدن عوض آن به نسل بعدی در همین دنیا یا از طریق غیر مال جبران شود.

۱۱. «مرد باغداری که هر سال از میوه‌های باغش به فقرا انفاق می‌کرد، از دنیا رفت. وارثان تصمیم گرفتند فقرا را محروم نمایند. تنها یکی از وارثان مخالف بود؛ ولی اکثر آنان بخل ورزیدند و برای محروم کردن فقرا تصمیم گرفتند که سحرکاهان به باغ روند و میوه‌ها را بچینند. به باغ رفتند اما آن را یک تخته خاکستر دیدند. گفتند: «ها راه را گم کرده‌ایم، این باغ ما نیست.» اما دیگری گفت: «ما از راه درست بدر منحرف شدیم و تصمیم گرفتیم فقرا را محروم کنیم؛ لذا خودمان محروم شدیم.» آن فرزندی که از روز اول با بخل مخالف بود، گفت: «یا به شما نکستم این فکر غلط است؟» به هر حال آنان قهر الهی را دیدند و متنبه شدند و یکدیگر را ملامت کردند. قرآن کریم در آیات ۱۷ تا ۳۳ سوره قلم به این داستان پرداخته است.

۱۲. (من كان يريد العزة فلله العزة جميعا) (فاطر: ۱۰)؛ «هرکس خواهان عزت است، پس عزت همه از آن خداست [و به هر که بخواهد می‌دهد].»
۱۳. (لا تجعل مع الله إلها آخر فتفقد مذموما مخذولا)؛ (اسراء: ۲۲)؛ «با خداوند معبود دیگری قرار مده که نکوهیده و سرافکنده خواهی نشست.»
۱۴. نهج‌البلاغه (صحی صالح)، حکمت ۱۷۷، ص ۵۰۱.
۱۵. مائده: ۱۱۶.